

# بازتاب

نشریه‌ای درباره شناخت، مغز و رفتار



دوره چهارم، زمستان (۱۳۸۸)، شماره ۱۴

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: محسن ارجمند

سردبیر: حبیب‌الله قاسم‌زاده

زیر نظر هیئت تحریریه

مسئول اجرایی: مریم کریمی

طراحی جلد: فاطمه پاشاخانو

مسئول هنری و صفحه‌آرا: پرستو قدیم‌خانی

مسئول فروش و اشتراک: حسین افشار

بها: ۲۵۰۰ تومان

چاپ: پیکان

دفتر نشریه و مرکز فروش:

تهران، بلوار کشاورز، بین خیابان

کارگر و ۱۶ آذر، پلاک ۲۹۲

تلفن: ۰۲-۸۸۹۷۷۰۰۲-۸۸۹۷۹۵۴۴

Email: baztabedanesh@yahoo.com

## هیئت تحریریه

دکتر محمد رضا باطنی

زبان‌شناس

دانشگاه تهران

دکتر خسرو پارسا

جراح مغز و اعصاب

دکتر بیژن جهانگیری

فارماکولوژیست

دانشگاه علوم پزشکی تهران

دکتر احمد جلیلی

روان‌پزشک

دانشگاه علوم پزشکی تهران

حسین حسین‌خانی

نویسنده و ناشر

دکتر محمد رضا زرین‌دست

فارماکولوژیست

دانشگاه علوم پزشکی تهران

دکتر ونداد شریفی

روان‌پزشک

دانشگاه علوم پزشکی تهران

غلامحسین صدری افشار

نویسنده و مترجم

دکتر اصلاان ضرابی

روان‌پزشک

دکتر جمال عابدی

روان‌شناس

دانشگاه کالیفرنیا، دیویس

دکتر محمود عبادیان

استاد فلسفه و ادبیات

دانشگاه علامه طباطبائی

دکتر حسن عشایی

روان‌پزشک

دانشگاه علوم پزشکی ایران

دکتر رامین مجتبابی

روان‌شناس و روان‌پزشک

دانشگاه جانز هاپ‌کینز

دکتر آذرخش مکرری

روان‌پزشک

دانشگاه علوم پزشکی تهران

دکتر غلامرضا میرسپاسی

روان‌پزشک

دانشگاه علوم پزشکی تهران

دکتر عبدالرحمن نجل رحیم

نورولوژیست

دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

دکتر توج نیرنوری

جراح مغز و اعصاب

دکتر رضا نیلی پور

زبان‌شناس

دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی

## فهرست:

- ۳ ..... سخن سردبیر  
حبیب‌الله قاسم‌زاده
- ۶ ..... تصویربرداری مغزی در اختلال‌های روانی و حقوق جزا.  
بیژن جهانگیری
- ۱۴ ..... زنی که همواره احساس سقوط می‌کند.  
محمدرضا باطنی
- ۲۲ ..... زبان‌لیمبیک، خاستگاه زبان هیجانی - عاطفی و تکوین زبان گزاره‌ای  
رضا نیلی‌پور
- ۲۹ ..... تمایز اختلال اسم و فعل در زبان پریشی: مقایسه فرضیه‌های نحوی و معنایی  
فریبا یادگاری
- ۳۸ ..... ویگوتسکی و استفاده از زبان اول در آموزش زبان دوم.  
رجبعلی رعیتی‌دماوندی - باقر یعقوبی
- ۴۳ ..... نظم بخشی هیجانی: موضوعی پژوهش‌آفرین در روان‌شناسی  
حسن حمیدپور
- ۵۰ ..... سالمندی / احساس تنهایی و سازمان‌بندی هیجانی - سرایشی تند؟  
اکرم خمسه
- ۵۷ ..... تغییر و اصلاح حافظه به عنوان دستاورد درمان‌های شناختی - رفتاری اختلال‌های اضطرابی  
زهرا اندوز
- ۶۰ ..... مصاحبه‌ای با دنیل کانه من  
مایکل شراگ / شهرزاد دیبائیان
- ۶۷ ..... معرفی کتاب: زبان و اندیشه / نیک لاند / ترجمه حبیب‌الله قاسم‌زاده.

## سخن سردبیر

انتظاری وجود داشته باشد؟ غنای طبع در جامعه‌ای معنی پیدا می‌کند که نیازهای اولیهٔ انسان‌ها اعم از مادی و معنوی برآورده شده باشد. چرا نباید در جامعه، برای همه، امکان خوردن «نان و حلوا»ی دیروز و امروز مهیا باشد؟ مگر جامعه به آن کودک فقیر چه داده که از او چنین بازداری، گذشت و خویشتن‌داری می‌خواهد؟

سعدی در باب هفتم گلستان در دفاع از جایگاه توانگران در مقایسه با تنگ‌دستان می‌گوید: «اگر قدرت جود است و گر قوت سجود، توانگران را به میسر شود که مال مزگا دارند و جامهٔ پاک و عرض مصون و دل فارغ و قوت طاعت در لقمهٔ لطیف است و صحت عبادت در کسوت نظیف. پیداست که از معدۀ خالی چه قوت آید و زدست تهی چه مروّت و زپای تشنه چه سیر آید و از دست گرسنه چه خیر. شب پراکنده خُسب آن که پدید

نبود و جبه با مدادانش

مورگرد آورد به تابستان

تا فراغت بود زمستانش»

\* \* \*

امروزه، ما شاهدیم که فقر چه آثار منفی به جای می‌گذارد. «سازمان جهانی بهداشت»، فقر را «بی‌رحم‌ترین عامل کشنده و مرگبار، و بزرگ‌ترین علت رنج و بدبختی انسان‌ها بر روی کرهٔ زمین» توصیف می‌کند. فقر پدیده‌ای است پیچیده، چند جنبه‌ای و چند بُعدی. اما وقتی از فقر، به معنای کلی کلمه، سخن می‌گوییم، در درجهٔ اول غذا، مسکن، لباس، دارو، آموزش و بهداشت به ذهن‌مان می‌رسد. چند

محمود صنایعی در مقاله‌ای با عنوان «حرص گسیخته‌بند»، از قابوسنامه حکایتی نقل می‌کند که شنیدنی است. این حکایت، مربوط به دو کودکی است که یکی از خانوادهٔ ثروت‌مند است و برای ناهار در مکتب‌خانه، برایش نان و حلوا گذاشته‌اند و دیگری از خانوادهٔ فقیر که فقط نان خالی به مکتب‌خانه آورده است. "پسر مُنعم نان و حلوا می‌خورد و پسر درویش از وی حلوا همی خواست. پسر منع گفت: اگر تو را پاره‌ای حلوا بدهم تو سگ من باشی؟ گفت: باشم. گفت: بانگ کن تا تو را حلوا بدهم. آن بیچاره بانگ سگ همی‌کرد و پسر مُنعم حلوا به وی همی داد." شبلی (از عرفای قرن چهارم هجری) که ناظر این صحنه بوده، دگرگون می‌شود و شروع به گریه می‌کند. علت گریهٔ او را می‌پرسند. می‌گوید: «نگاه کنید که طامعی و بی‌قناعتی به مردم چه می‌کند. چه بودی اگر آن کودک به نان خشک تهی خود قانع بودی و طمع حلوای آن کودک نکردی تا وی را سگ هم‌چون خودی نبایستی بود.»

دکتر صنایعی با آوردن این حکایت، مسألهٔ آزمندی، فزون‌خواهی و سیری‌ناپذیری را در قشری از جامعه مطرح می‌کند و آن را به صورت مرض شایع اجتماعی معرفی می‌نماید. اما آن چه این‌جا می‌خواهیم اشاره‌وار بگوییم، مسألهٔ فقر است که دامن‌گیر بسیاری از جوامع و آحاد بشری است و آثار اجتناب‌ناپذیر و گسترده‌ای در همهٔ سطوح و جوانب زندگی فردی و اجتماعی می‌گذارد. این درست است که اگر آن کودک «بی‌نیازی یا به اعتباری غنای طبع» از خود نشان می‌داد، ضرورتی وجود نداشت که صدای سگ از خود درآورد، اما راستی، چرا باید چنین